

تحلیل روانشناختی شخصیت‌های داستان پادشاه و کنیزک مثنوی بر اساس نظریه اریک برن

* دکتر مهدی رضائی^۱، دکتر علی سینا رخشنده مند^۲، مرضیه رستمی^۳

*^۱ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سلمان فارسی، کازرون، ایران. (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی پست دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۳ کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سلمان فارسی، کازرون، ایران.

نویسنده مسئول: rezaei@kazerunfu.as.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۵

چکیده

تحلیل رفتار متقابل نظریه‌ای برای شناخت رفتار، احساس و ذهنیت افراد در بستر روابط شخصیت‌ها است که در آن تصویری از ساختار روانی انسان‌ها ارائه می‌گردد. از الگوی سه‌گانه حالات نفسانی؛ یعنی «والد»، «بالغ» و «کودک» در تجزیه و تحلیل رفتارهای آدمی استفاده می‌شود. مثنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، حاوی سرگذشت گروه‌های بشری، با هر طیف اعتقادی و رفتاری است و ویژگی‌های روانی رفتاری در آن موشکافانه منعکس شده است و پژوهشگر می‌تواند با تحلیل محتوای داستان‌ها، شخصیت قهرمانان را روانکاو کند. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و استقرایی و در چارچوب نظری تحلیل رفتار متقابل اریک برن انجام شده است و سه لایه شخصیت والد، بالغ و کودک وی، با توجه به ابعاد سه‌گانه شخصیت، شخصیت‌های داستان پادشاه و کنیزک مثنوی را توصیف و تحلیل می‌کند. در این بررسی معلوم می‌شود که شخصیت‌های داستان در موقعیت‌های مختلف چگونه عمل می‌کنند و رفتارهای آنان ریشه در چه تنش‌های روحی و روانی دارد. هدف از این پژوهش تحلیل رفتارهای شخصیت‌های این داستان بر اساس الگوی اریک برن برای دستیابی به خصوصیات روحی و روانی شخصیت‌ها است. نتایج بررسی مؤلفه‌های تحلیل رفتار متقابل در داستان نام‌برده نشان می‌دهد که در روابط میان شخصیت‌ها هر سه حالت نفسانی با تمام ویژگی‌های روانشناختی آن دیده می‌شود و پادشاه از نظر ابعاد سه‌گانه شخصیت جامع‌ترین است.

کلیدواژه: مثنوی، پادشاه و کنیزک، تحلیل رفتار متقابل، اریک برن.

۱- مقدمه

نقطه مشترک عرفان و روان‌شناسی شناخت بهتر خود و جهان اطراف خود و دیگران است. عرفان مانند روان‌شناسی کمک می‌کند تا انسان، دیگران را با نقاط مثبت و منفی بشناسد و نحوه ارتباط او با دیگران به دور از توقعات ایده آل و خود محورانه باشد. همان‌گونه که رهایی از قید و اسارت غرایز و کنترل خصایص نکوهدیده وزنده شدن به خداوند نهایت عرفان است، روان‌شناسی هم سازگاری، انعطاف‌پذیری و آزادی انتخاب را برطرف‌کننده موانع تکامل انسان می‌داند. به وجود آوردن اعتماد، احترام متقابل و ارتباط عاشقانه بین بیمار و درمانگر در روان‌شناسی باعث تسهیل فرایند درمان و بصیرت و آگاهی بیمار می‌شود، ارتباط پیر و مرید در عرفان هم شباهت زیادی با رابطه بیمار و درمانگر در روان‌شناسی دارد، اعتماد، احترام متقابل، وابستگی، انتقال عواطف، مراحل ابراز و افشای عواطف بیمار، رسیدن به بصیرت و نهایتاً استقلال مرید یا بیمار و رها شدن تدریجی او از تعلقات، همه مراحل هستند که در روند عرفان و روان‌درمانی به وقوع می‌پیوندند.

قصه موجودی زنده و پویا است، شخصیت‌ها و خصیصه‌های درونش انسانی هستند، روابط جامعه انسانی بر آن حکم‌فرما است و لبریز از سمبل و رموزی است که ویژگی روانی مردم را ارائه می‌کند. مثنوی بر اساس قصه و تمثیل ساخته شده است و لازمه قصه، شخصیت‌پردازی و روایت حالات و گفت‌وگوها است؛ بنابراین مثنوی و قصه‌های آن، نمونه بسیار خوبی از جامعه مردمی است.

شخصیت، مفهومی است فرضی و نمی‌تواند به تنهایی، یعنی خارج از آنچه بین افراد می‌گذرد، در نظر بیاید. رفتار بین اشخاص تنها چیزی است که ممکن است به عنوان شخصیت، مورد ملاحظه واقع شود؛ و هنگامی ظهور می‌کند که آدمی در ارتباط با فرد یا افراد دیگر، از خود رفتاری نشان دهد. این فرد یا افراد لازم نیست که حضور داشته یا حتی زنده باشند، بلکه ممکن است قهرمانان داستان‌ها و افسانه‌ها باشند، یا کسانی باشند که شاید بعدها به وجود آیند.

(سیاسی، ۱۳۷۴: ۲۰۴)

در مثنوی به توصیف دقیق رفتار و گفتار شخصیت‌ها برمی‌خوریم، مولوی تقریباً به وصف همه دسته‌های اعتقادی، فکری و اخلاقی جامعه بشری پرداخته است. به همین دلیل که این داستان‌ها منطبق بر واقع‌گرایی جامعه و انسان هستند می‌توان آن‌ها را چون پدیده‌هایی واقعی قلمداد و شخصیت‌ها آن‌ها را چون انسان‌های حقیقی تجزیه کرد. یکی از شیوه‌های تحلیل شخصیت بر اساس دیدگاه اریک برن شکل گرفته است. این شیوه که مشهور به تحلیل رفتار متقابل است را می‌توان به‌نوعی «روانشناسی شخصیت» اطلاق کرد که مراحل رشد را به همراه جنبه‌های مختلف شخصیت بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که حالات و رفتار جاری افراد، بر پایه کدام جنبه از شخصیت حاصل شده است و ارتباط میان انسان‌ها از کدام جنبه صادر و به کدام جنبه مقابل، منتهی می‌شود.

در این پژوهش سعی شده که شخصیت‌های داستان پادشاه و کنیزک از دفتر اول مثنوی مولانا مورد تحلیل روانشناسی قرار گیرد و جزئیات روان‌شناختی شخصیت‌ها، روند داستان، رفتارها و گفتارها را با توجه به نظریات روان‌شناختی اریک برن و سه حالت نفسانی والد، بالغ، کودک برابری و مطالبقت داده شود تا از این رهگذر میزان واقع‌گرایی مولوی در پردازش داستان‌ها نیز محک زده شده و مورد تایید یا رد قرار گیرد.

۲. پیشینه تحقیق:

طبق بررسی‌های انجام‌شده در کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های گوناگون در زمینه روان‌شناسی و تحلیل شخصیت در ادبیات مشخص شد که چندین مقاله، کتاب و غیره ... در این زمینه نوشته شده که عبارت است از:

عزیز حجاجی و حسین زری فام (۱۳۹۴) «نقد روانشناسی داستان موسی و شبان مثنوی از دیدگاه نظریه اریک برن» که در این مقاله داستانی دیگر از مثنوی را بر مبنای نظریه اریک برن تحلیل شده است.

احمد رضی و سمیه حاجتی (۱۳۹۱) «تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها در داستان شیر و گاو از کلیله و دمنه». این مقاله نیز داستانی دیگر از مثنوی را بر اساس چارچوب نظری این تحقیق مورد واکاوی قرار داده است.

یدالله رحیمی (۱۳۸۶) «فراکنی در مثنوی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد است که به مبحث فراقکنی پرداخته شده است ولی در آن از شیوه تحلیل رفتار متقابل استفاده نشده است.

شهلا آموزگار (۱۳۸۶) «فراقکنی در داستان شیر و نجیران مثنوی مولوی» عنوان پایان‌نامه ای است که در آن به مبحث فراقکنی بدون استفاده از چارچوب نظری تحلیل رفتار متقابل در یک داستان مثنوی پرداخته شده است.

با نگاهی به پیشینه تحقیق فوق‌الذکر تنها اثر نزدیک به پژوهش حاضر، «تحلیل رفتار متقابل جنبه بالغ و والد در شخصیت‌های داستانی مثنوی بر اساس نظریات اریک برن» از حسین زری فام، علی دهقان و حمیدرضا فرضی است.

است. نویسندگان در اثر فوق تمام مثنوی را مورد مطالعه قرار داده‌اند و به همین دلیل مخصوصاً در داستان پادشاه و کنیزک به کلی‌گویی و اجمال پرداخته‌اند و بدون تحلیل تمام زوایای عمل و گفتار شخصیت‌ها فقط به ذکر چند مورد ساده اکتفا کرده‌اند.

در رابطه با معرفی مادران در ادبیات عرفانی تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی صورت گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: حضور پیدا و پنهان زن در متون صوفیه (طاهری، زهرا، ۱۳۹۷) که پژوهشی جامع برای معرفی فعالیت زنان در حوزه عرفان اسلامی - ایرانی در چارچوب فرهنگی - تاریخی سرزمین ایران است. زن در عرفان و تصوف اسلامی، (شیمل، آنهمری، ۱۳۹۷) نیز نشان‌دهنده نقش زن در تصوف و عرفان اسلامی و بیان دیدگاه قرآن و سنت در مورد زن است. ساختارداستانی حکایت‌های عرفانی، (رضوانیان، قدسیه، ۱۳۹۸) به بررسی ساختار عرفانی از جمله عنصر شخصیت و نقش زن و مادر، در چندین حکایت از کشف‌المحجوب، أسرارالتوحید و تذکرةالأولیاء پرداخته و بینامتنیت را در آنها مورد بررسی قرار داده است و همچنین مقاله‌های «رمزپردازی زنان در ادب عرفانی» (حسینی، مریم، ۱۳۸۸)، که به رمزپردازی واژه و کلمه زن در ادبیات فارسی پرداخته و مقایسه‌ای تحلیلی بین ادب عرفانی فارسی و عربی و شعر ابن‌عربی و نگاه او نسبت به زن انجام داده و نیز بعضی از جلوه‌های آن را با مفهوم آنیما در روان‌شناسی یونگ تطبیق داده است. «سیمای زن در تذکرةالأولیاء عطار نیشابوری» (روضتیان، سیده‌مریم و سیدعلی‌اصغر میرباقری‌فرد، ۱۳۸۶) که به اختصار سیمای زنان تذکرةالأولیاء در قالب مادر، همسر، دختر، معشوق و ... به اجمال بررسی شده است. اما درباره موضوع این مقاله یعنی «جایگاه مادر و نموده‌های شخصیت مادران در تذکرةالأولیاء عطار» تحقیقی که به صورت مستقل به چگونگی شخصیت‌پردازی عطار از مادران و نموده‌های شخصیتی آنان در این کتاب پرداخته باشد، یافت نشد؛ کاری که این مقاله آن را بر عهده دارد. اما ضروری است، قبل از پرداختن به اصل این مبحث، در ابتدا به جایگاه زن در برخی از ادیان، نگاهی گذرا انداخته شود.

۳.۳. چهارچوب نظری تحقیق

۴. این پژوهش بر اساس نظریه اریک برن و در چارچوب دیدگاه تحلیل رفتار متقابل وی صورت می‌گیرد. «او می‌گفت ارتباط کلامی خصوصاً از نوع رودرروی آن، محور روابط اجتماعی انسان و همچنین محور روانکاوی است. برای برن نقطه شروع وقتی بود که دو نفر به هم می‌رسند و یکی از آن‌ها سر صحبت را با دیگری باز می‌کند. او این مواجهه را محرک رفتار متقابل می‌دانست و واکنش طرف مقابل را پاسخ رفتار متقابل. به این ترتیب تحلیل رفتار متقابل، روش بررسی این رفتار متقابل است که «من با توکاری می‌کنم و تو در جوابم کاری می‌کنی.» برن در عین حال معتقد بود انسان‌ها سه حالت نفسانی به نام‌های والد، بالغ و کودک دارند.» (فیروزبخت، ۱۳۸۴: ۲۰ - ۱۹)
۵. طبق نظریه تحلیل رفتار متقابل اریک برن، شخصیت هر فرد از بخش‌هایی تشکیل شده ولی در هر فردی یکی از این بخش‌ها غالب است، لذا بیشتر کارهای فرد از بخش غالب او سرچشمه می‌گیرد. «اگر به رفتار خود توجه داشته باشیم و مکالمات درونی خود را تحلیل کنیم، متوجه می‌شویم که ما دارای سه نوع رفتار و گفتار هستیم. این سه نوع عملکرد در حالت چهره، نوع نگاه، صدا، محتوای کلام و سایر جنبه‌های رفتار نمایان می‌شود، بنابراین در ساختار شخصیت هر فردی سه بخش والد، بالغ و کودک وجود دارد که با توجه به لزوم ارتباط درونی یا بیرونی در هر زمان فقط یکی از سه بخش شخصیت ما کنش و واکنش نشان می‌دهد.» (بهرامی، ۱۳۹۴: ۲۶)
۶. هر فرد از لحاظ رشد شخصیت ابتدا دارای حالت کودک و سپس دارای حالت والد و در نهایت دارای حالت بالغ می‌شود. این سه بخش شخصیت در هر فرد سالم وجود دارد ولی مقدار اثرگذاری آن‌ها از فردی به فرد دیگر در هر موقعیت معین زندگی فرق می‌کند. همچنین حاکمیت شخصیت در هر فرد ممکن است به عهده یکی از این اجزاء باشد که هر کدام طبیعتاً حکومت‌های متفاوتی را بنا خواهند گذاشت یعنی اشخاص بیشتر زندگی خود را در یکی از «حالات من» به سر می‌برند پس شخصیت افراد متفاوت خواهد شد. در حقیقت شخصیتی نداریم که فقط یک جزء را داشته باشد ولی شخصیت‌های زیادی در اطراف ما هستند که یک بخش بر سایر بخش‌های شخصیت غلبه داشته و آن‌ها را تحت سلطه خود دارد.
۷. الف) کودک: همه افراد از لحاظ شخصیتی در درون خودشان یک پسر بچه یا دختر بچه کوچک دارند. کودک به هنگام به دنیا آمدن، نیازهایی دارد که منجر به رفتارهایی در وی می‌شود؛ مثلاً با گرسنگی، می‌گرید. این حالت در کودکی پایان نمی‌پذیرد و تا بزرگسالی در افراد مختلف به انحاء مختلفی ادامه می‌یابد. سرزندگی و هیجان، سیر کردن در تخیلات، لذت طلبی، لجبازی، دمدمی بودن، خلاقیت، کنجکاو، علاقه به دانستن، اصرار به تجربه کردن و احساس کردن از جمله خصوصیات حالت کودک است.
۸. «کودک به سه بخش «کودک طبیعی»، «کودک انطباق یافته» و «پروفسور کوچولو تقسیم» می‌شود. هر گاه بدون توجه به شرایط استرس‌زای بیرونی و به‌طور کامل خودانگیخته رفتار می‌کنیم، در حالت «کودک طبیعی» به سر می‌بریم. نشانه‌های کلامی و رفتاری کودک طبیعی: رها، پرسروصدا، پرانرژی و سرحال و شاد. کاربرد کلمات چون وای، شادی و می‌خواهم. حالت‌ها و حرکت‌های خودمانی، بی‌قید، واکنش‌های سریع، راحت و چالاک. (بهرامی، ۱۳۹۴: ۵۳)
۹. زمانی که با انتظارات، قوانین و دستورهای صادر شده از سوی والدین یا سایر بزرگسالان به دو صورت کاملاً متفاوت فرمان‌برداری یا سرپیچی سازگار می‌شویم و واکنش نشان می‌دهیم؛ بیان می‌شود که در حالت «کودک انطباق یافته» هستیم» (همان: ۴۳-۴۴)
- نشانه‌های کلامی و رفتاری کودک انطباق یافته: کلماتی چون نمی‌توانم، آرزو دارم، سعی می‌کنم، امیدوارم، لطفاً و متشکرم. با

آهنگ صدایی نالان، بدگمان و مخالف، مصالحه جو و ملتسمانه. حالات و حرکات غمگین، مظلوم‌نمایی، شانه‌ها افتاده، بدن جمع و عضلات منقبض. (همان، ۵۳) بخش شهودگرا، زیرک، مشاهده‌گر، ساخت‌وپاخت کن و فریبکار شخصیت که برای رسیدن به مقاصدش، طرح و برنامه دارد، پروفیسور کوچولوی درون است. این بخش گاهی کمک می‌کند آدم خوبی باشد گاهی دردسرساز است، از افرادی که سد راهش شوند، دلگیر می‌شود و مردم از بودن با این شخص لذت می‌برند و خسته نمی‌شوند (فیروز بخت، ۱۳۸۴: ۷۱).

۱۰. (ب) والد: زمانی که رفتار، افکار و احساس‌ها درست شبیه والدین و جانشینان آن‌ها است، انسان در حالت نفسانی والد خود قرار دارد. در والد مفهوم آموخته‌شده و نشان داده‌شده زندگی ضبط است. سنت‌ها و ارزش‌ها نیز در والد قرار دارد. والد پاک شدنی نیست. (جونز، ۱۳۹۵: ۳۶) «والد انباشته از باورها، قضاوت‌ها، ارزش‌ها و ویژگی‌هایی است که در دو گروه کلی «والد حمایتگر» و «والد انتقادگر» قرار می‌گیرند. والد حمایتگر خصوصیت‌هایی مانند مراقبت، نگرانی، بخشندگی، اطمینان بخشی و آسان‌گیری همراه با صمیمیت دارد. والد انتقادگر قدرتمند، نظارت‌گر همراه با سختگیری، منضبط، تنبیه‌کننده، پافشاری کننده و خودرأی است. عملکرد والد می‌تواند، هم درونی باشد هم بیرونی باشد. والد فعال خود را به صورت صریح و آشکار نمایان می‌سازد و این مسئله را هنگامی که فردی در برخورد با دیگری به طور کامل مانند والدین خود عمل می‌کند، می‌توان، مشاهده کرد. زمانی که فرد نوار اطلاعاتی ضبط‌شده، مربوط به والدین خود را مرور می‌کند، بر طبق والد خود عمل می‌کند که ممکن است به هر یک از دو صورت والد حمایتگر یا والد انتقادگر باشد. والد حمایتگر نصیحت یا پنددهنده، راهنمایی و حمایت‌کننده، مشوق و پرورش‌دهنده و والد انتقادگر انتقادکننده، مچ گیر، ایرادگیر، سرزنشگر و تحقیرکننده است. والد حمایتگر و والد انتقادگر هر یک به دو بخش مثبت و منفی تقسیم می‌شوند.» (بهرامی، ۱۳۹۴: ۳۲-۳۴) «والد حمایتگر مثبت: پیام‌ها و دستورهای است که به منظور رشد جسمی، روانی، ذهنی و اجتماعی کودک، به صورت تحکم پرورش‌دهنده ابراز می‌شوند. والد حمایتگر منفی: پیام‌ها و دستورهای است که فقط حالت حکم‌های مسدودکننده است و به صورت حمایت افراطی به کودک درون منتقل می‌شود.» (همان: ۳۵)

۱۱. «والد انتقادگر مثبت: پیام‌ها و دستورهای است که برای رشد جسمی، روانی، ذهنی و اجتماعی کودک به صورت تحکم آمرانه ابراز شوند. والد انتقادگر منفی: پیام‌ها و دستورهای است که فقط به صورت حکم‌های مسدودکننده باحالت تحقیرآمیز به کودک درون ابراز می‌شوند.» نشانه‌های رفتاری والد انتقادگر شامل اخمو و عصبانی بودن. آهنگ صدایش انتقادی دستوری، انزجاری و تحکمی است در مقابل آهنگ صدای والد حمایتگر حمایت‌کننده، آرام‌بخش و حاکی از توجه و حرکاتی پذیرا و مهربان با بازوانی گشوده است. (همان: ۵۲)

۱۲. (ج) بالغ: «در درون هر کس نیرویی نهفته است که می‌توان از آن به عنوان عقل، منطق مصلحت برای برخورد با واقعیت‌ها نام برد، به این جنبه از شخصیت بالغ گفته می‌شود که ارتباطی به سن و میزان تحصیلات ندارد و شامل توجه به واقعیت موجود و جمع‌آوری اطلاعات، بررسی و نتیجه‌گیری منطقی می‌شود.» (بهرامی، ۱۳۹۴: ۳۷)

۱۳. (د) بیماری شخصیت: «فکر کردن بالغ به گونه‌ای واضح و روشن از طریق آلودگی ضایع می‌گردد. آلودگی را می‌توان به عنوان مداخله حالت نفسانی والد و کودک یا هر دو در مرزهای حالت نفسانی بالغ توصیف نمود. آلودگی وقتی اتفاق می‌افتد که بالغ بعضی از اعتقادات بی‌مورد والدین یا تحریف‌های کودک را به عنوان واقعیت پذیرفته و این طرز فکرها را با استدلال‌هایی توجیه کند.» (جیمز، ۱۳۷۸: ۳۴۸)

۱۴. «آلودگی بالغ توسط والد: در این حالت بالغ اطلاعات و ارزش‌های بررسی نشده گذشته را می‌پذیرد و در موارد حاد به‌صورت توهم که یک نوع ادراک حسی غیرواقعی است، تجربه می‌شود. در سطح ضعیف، آلودگی بالغ توسط والد به‌صورت باورها و تعصب بروز می‌کند؛ تفاوت بین عقیده و تعصب این است که عقیده را می‌توان بدون عصبانیت توضیح داد؛ ولی تعصبات با عصبانیت ابراز می‌شوند. بیشترین آلودگی بالغ توسط والد، شامل موضوعات خاصی مانند فرهنگ قومی، سیاست، مذهب، نژاد، تحصیل، جنسیت و خانواده می‌شود.» (بهرامی، ۱۳۹۴: ۵۷)

۱۵. آلودگی بالغ توسط کودک: چنین حالتی موجب هذیان شده و واقعیت‌ها تحریف می‌شود، احساس‌ها و ترس‌های قدیمی نیز در بالغ بروز می‌کند. از علائم معمول این نوع تداخل یکی ترس و دیگری خیال و فکر باطل است. (همان: ۵۸)

۴. فرضیه‌ها

مولانا هرچند نه به‌طور مستقیم اما به‌صورت رمزی و سمبولیک لایه‌ها سه گانه شخصیت را بیان می‌کند. در داستان پادشاه و کنیزک، جنبه والد و کودک با بروز و ظهور جنبه والاتر یعنی بالغ به تکامل می‌رسد و به دلیل عرفانی بودن داستان این کمال اتفاق می‌افتد. ویژگی‌های بالغ در شخصیت‌های انسان‌های کامل و مشایخ در حد نهایت دیده می‌شود و در داستان پادشاه و کنیزک طبیب روحانی نماینده این بعد از شخصیت است.

۵. سوالات تحقیق

۱. آیا رفتارها و گفتارها در شخصیت‌های داستان از نظر روان‌شناسی قابل تطبیق با نظریه اریک برن هستند؟
۲. در داستان «پادشاه و کنیزک» چند جنبه شخصیتی بر اساس الگوی اریک برن بروز پیدا کرده است؟
۳. کدام جنبه شخصیتی «والد»، «بالغ» و «کودک» در داستان فوق نمود بیشتری دارد؟
۴. کدام‌یک از سه جنبه شخصیت والد بالغ کودک حضورش در سه داستان پررنگ‌تر و کدام جنبه کم رنگ تر است؟

۶. تحلیل داستان

۶.۱. پادشاه

بخش مهم این داستان بیان‌کننده حالات روحی و روانی پادشاه است که هم ملک دنیا دارد و هم ملک دین و بر این اساس مشخص می‌شود باید جامع جنبه‌های شخصیتی باشد. در شخصیت پادشاه هر سه جنبه کودک، والد و بالغ دیده می‌شود؛ کودک طبیعی و انطباق یافته و والد حمایتگر. الف) کودک طبیعی: «وقتی کودک درون ما متنفر، عاشق، تکانشی، لذت‌جو، غیرمنطقی، خودانگیخته یا بازیگوش است به آن، کودک طبیعی یا شازده کوچولو می‌گویند.» (فیروز بخت، ۱۳۸۴: ۳۴) «کودک عاشق یا کودک طبیعی لبریز از احساسات عاشقانه است. او سرخوش است و در مسیر زندگی نیاز دارد به دادوستد عاطفی بپردازد، محبت کند و محبت بگیرد و شاید بتوان گفت عشق، احساسات تشدید شده یا فشرده شده در مورد موضوع یا شخص خاص است. وقتی کودک درون به اوج احساسات می‌رسد، نیاز دارد تجربه‌ی یا احساس خود را با کسی رد و بدل کند.» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۶۷)

یک کنیزک دید شه بر شاهراه شد غلام آن کنیزک جان شاه

(مولوی، ۱۳۹۱: ۴۸)

کنیزکی بی‌قدر شعله عشق را در قلب پادشاه شعله‌ور می‌کند، در این میان جدالی می‌افتد بین عقل و عشق و دل میدان کارزاری بزرگ می‌شود که راهی جز تسلیم محض در برابر عشق نیست. پادشاه به‌عنوان یک فرد بالغ و سالخورده با یکی از احساس‌های راستین و ناب خود یعنی عشق و شیفتگی، ارتباط برقرار می‌کند و در حالت نفسانی کودک خود، به‌جای محبوس کردن این حس و عاطفه به‌دوراز هر نوع ترسی آن را اعتراف می‌کند. کودک درون انسان ساحت احساس، عاطفه، عشق، غم، شادی و هیجان است، اصل اصیل این حوضه لذت بردن، غریزه‌ها و نیازهای زیستی است.

آن کنیزک از مرض چون موی شد چشم شه از اشک خون چون جوی شد

(مولوی، ۱۳۹۱: ۴۸)

پادشاه از شدت بی‌قراری، ناراحتیش را با گریه ظاهر می‌کند. اشک او رفتار کودک طبیعی است که در طول زمان و در بزرگسالی منع و سانسور شده است، ولیکن او بی‌توجه به نهی و انکار اطرافیان و محیط گریه‌اش را عیان می‌کند و خود را از آزردگی آزاد می‌کند.

شه چو عجز آن حکیمان را بدید پابرنه جانب مسجد دوید

(مولوی، ۱۳۹۱: ۴۸)

کودک درون پادشاه گذشته از مقام و مرتبه بدون رعایت قیود اجتماعی و متعارف پابرنه به سوی مسجد می‌دود و به کودک طبیعی درونش راه می‌دهد که خود را متجلی کند. کودک طبیعی درون خویشتن‌دار نیست و تمایلی به رعایت قیود اجتماعی، عرف، قانون، تعقل و غیره ندارد. «بالغ در نقش کنترل‌کننده حالات نفسانی است. اگر شخص از قرار گرفتن تحت نفوذ جنبه‌های منفی و نامناسب والدین و کودک آزاد گردد، از قیود رها گشته تصمیمات مستقل مناسب خویش را اتخاذ خواهد کرد.»

(جیمز، ۱۳۸۴: ۳۵۳)

رفت در مسجد سوی محراب شد سجده‌گاه از اشک شه پر آب شد

(مولوی، ۱۳۹۱: ۴۸)

«در یک تجربه دینی مؤثر وظیفه بالغ است که به کودک طبیعی اجازه دهد که دوباره بیدار شود، و ارزش‌ها و زیبایی‌های خود را به‌عنوان قسمتی از آفرینش پروردگار پیدا کند. در تجربه دینی کودک نیز دخالت دارد. حتی این امکان هست که تجربه دینی کاملاً کودک باشد. چون کودک است که سرچشمه احساس است.» (هریس، ۱۳۹۵: ۲۹۲-۲۹۳) احساس عمیق و اندوه اصیل پادشاه و گریه در پیشگاه پروردگار به خاطر نومیادی استعانت از غیر خدا دردمندی و رنجوریش را تسلی بخشید و به او کمک کرد که در مسیر آراستگی صفات و رسیدن به کمال مطلوب گام بردارد.

گفت معشوقم تو بودستی نه آن لیک کار از کار خیزد در جهان

(مولوی، ۱۳۹۱: ۴۹)

دست بگشاد و کنارانش گرفت همچو عشق اندر دل‌وجانش گرفت

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۰)

دست و پیشانیش بوسیدن گرفت وز مقام و راه پرسیدن گرفت

(همان: ۵۰)

کودک سرشار از مهر و محبت پادشاه احساس و عاطفه‌اش را با صمیمیت نسبت به طبیب الهی ابراز کرده و او را نوازشی کلامی می‌کند و همچنین با در آغوش کشیدن، بوسیدن، فشردن و برخورد دوستانه از سوی کودک طبیعی او را نوازش غیرکلامی کرده و تجلیل خود را نسبت به او اعتراف می‌کند. (ب) کودک انطباق یافته: آن بخش از شخصیت که رفتار خود را تحت تأثیر تربیت والد تغییر داده و اصلاح کرده است. جنبه مثبت آن موجب می‌شود از وجود دیگران آگاه و سهیم شویم مهارت‌هایی که به ما کمک می‌کند با دیگران بجوشیم، باادب رفتار کنیم، موردپذیرش و تأیید قرار بگیریم و نیازهایمان را به نحوی برآورده نماییم. (جیمز، ۱۳۸۴: ۲۱۴) کودک انطباق یافته ممکن است سه الگوی رفتاری متفاوت یعنی مهر طلب، آزارگر و قربانی را داشته باشد، قربانی خود را نادیده می‌گیرد و به دنبال یک نجات‌دهنده می‌گردد. افراد در زمان‌هایی این الگوهای رفتاری بخش منفی کودک مطیع و سازگار را از خود نشان می‌دهند و توانمندی‌های خود را فراموش می‌کنند، مطیع خواسته‌ها و نظریات دیگران هستند. رایج‌ترین پاسخ‌های کودک مطیع و سازگار نسبت به باور و فکر دیگران عبارت از پذیرش، مسامحه و کوتاهی است در صورتی که در وضعیت واقع‌گرایانه این زمانی این مکانی حالت نفسانی بالغ خود توانمندی کامل را در هر زمینه دارد، و مشکلی در این مورد ندارد. (جونز، ۱۳۹۵: ۶۱)

شه طبیبان جمع کرد از چپ و راست گفت جان هر دو در دست شماست (مولوی، ۱۳۹۱: ۴۸)

کودک انطباق یافته پادشاه برای اینکه خود را با ناهنجاری‌ها و آزارهای محیط اطراف مثل بیماری کنیزک انطباق دهد عملکرد خود را به صورتی در پیش می‌گیرد که مانند قربانی به دنبال نجات‌دهنده بگردد و بر این باور است که به کمک نجات‌دهنده‌ای نیاز دارد تا بتواند به‌خوبی عمل کند یا تصمیم‌گیری نماید پس با دستورات یا اعتقادات دیگرانی چون طبیبان ظاهری خود را هم‌خوانی می‌دهد و از آن‌ها پیروی کرده و فریب سخنان دروغینشان را می‌خورد.

جان من سهل است جان جانم اوست دردمند و خسته‌ام درمانم اوست (مولوی، ۱۳۹۱: ۴۸)

«یکی از راه‌هایی که کودک آسیب‌دیده درون، خودش را از آن طریق نمایان می‌سازد، خستگی و درد و بیماری است. در چنین مواقعی نیاز به مراقبت نرم و مهرآمیز داریم همان‌گونه که کودکی بیمار به پرستاری و مراقبت نرم ملایم نیاز دارد.» (کاپوچیونه، ۱۳۸۶: ۷۷)

ج) بالغ: «انسان‌های درونی شده در وجود ما بسیار قوی‌تر از مفاهیم روشن‌فکرانه‌ای هستند که «بالغ» جدی و بدون احساس، ممکن است برای مؤثر واقع شدن تغییر از آن‌ها استفاده کند. این کودک است که باید بخواهد تغییر کند، و الگویی که کودک را به هیجان می‌آورد و به رقابت وامی‌دارد باید انسانی واقعی باشد.» (امی‌هریس، ۱۳۹۵: ۱-۲۴۰)

انت مؤلی القوم من لا یشتہی قد ردی کلا لئن لم ینته

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۰)

ای مرا تو مصطفی من چو عمر از برای خدمت بندم کمر

(مولوی، ۱۳۹۱: ۴۹)

گفت ای نور حق و دفع حرج معنی‌الصبر مفتاح الفرج

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۰)

ای لقای تو جواب هر سؤال مشکل از تو حل شود بی‌قیل و قال

(همان)

ترجمانی هرچه ما را در دل است دستگیری هر که پایش در گل است

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۰)

مرحبا یا مجتبی یا مرتضی ان تعب جاء القضا ضاق الفضا

(همان)

بالغ پادشاه، کودک تطبیق یافته او را به انقیاد محض در برابر طبیب الهی برانگیخته و پیروی از او را امری بایسته و ضروری برای موفقیت می‌داند. در اعماق وجود پادشاه انسانی واقعی جای گرفته که او را مولی و مهتر خود می‌نامد و از موضع پایین‌تر به‌صورت اغراق‌آمیزی ویژگی‌هایش را ستایش می‌کند.

پرس پرسان می‌کشیدش تا به صدر گفت گنجی یافتم آخر به صبر

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۰)

بالغ پادشاه، با صبر و خویشتن‌داری به آرامش روحی و شایسته‌ترین پادشاه که عشق حقیقی است دست‌یافت. «ارسطو ادعا می‌کرد که نشان دادن قدرت واقعی، خویشتن‌داری است. قدرت بالغ نیز اول در خویشتن‌داری نشان داده می‌شود: نگه‌داشتن جلو پاسخ‌های خودبه‌خودی و قدیمی کودک و والد و فرصت دادن به بالغ برای محاسبه بهترین پاسخ.» (هریس، ۱۳۹۵: ۱۱۴)

د) والد حمایتگر: «ویژگی‌های والد حمایتگر شامل محبت، حمایت، بخشش، تشویق، نوازش والدانه برای خودمان و طرف مقابل است.» (یحیی‌آبادی، ۱۳۸۹: ۴۵)

هر که درمان کرد مرجان مرا برد گنج و در و مرجان مرا

(مولوی، ۱۳۹۱: ۴۸)

پادشاه در نقش والد حمایتگر حالت‌های بخشندگی و حامی‌گری را از خود نشان می‌دهد که از خصوصیات و ارزش‌های «والد تغذیه‌کننده و مهربان است» است.

۶.۲. کنیزک

کنیزک که بخش عمده‌ای از نقش آفرینی داستان به عهده وی است و شخصیت اصلی داستان، یعنی پادشاه را تحت تاثیر قرار می‌دهد، دارای یکنواختی و ابهام شخصیتی است و در تمام داستان تنها دارنده دو صفت است و آن عشق و بیماری است که بیماری وی نیز معلول عشق است به همین دلیل فقط ویژگی‌های جنبه کودک طبیعی را می‌توان در وی مشاهده کرد که عشق از ویژگی‌های آن است.

چون خرید او را و بر خوردار شد آن کنیزک از قضا بیمار شد (مولوی، ۱۳۹۱: ۴۸)

کودک آسیب‌پذیر کنیزک که به درد عاطفی دچار شده، خودش را از طریق بیماری جسمی (نشانه‌های جسمانی) به نمایش می‌گذارد. «یکی از بدیهی‌ترین راه‌های ابراز جود کودک درون، بیماری است. وقتی بیمار هستید یا درد جسمی دارید، کودک درونتان در حال گفتگو با

شماست؛ و نیازمند به ملاحظت و ملایمت و محبت تفاهم، یعنی زمان آن فرارسیده که از او پرستاری شود مراقبت از او، با گوش سپردن به احساس‌ها و نیازهای طفل خردسال درون آغاز می‌شود.» (کاپاچیونه، ۱۳۸۶: ۸۸-۸۹)

طیب الهی با از میان برداشتن زرگر (عشق موهم و سست کنیزک) تلنگری تدریجی به کنیزک می‌زند و او را از دنیای غیرواقعی نمایشنامه‌اش نجات می‌دهد. «تلنگر زدن یعنی نجات بیمار از نمایشنامه و وارد کردن او به دنیای حقیقی و در این میان چه از این بهتر که درمانگر آنتی‌تز نمایشنامه را بیابد و با یک ضربه و یک تلنگر نمایشنامه بیمار را از هم پاره کند.» (برن، ۱۳۹۴: ۴۲۸).

۳.۶. طبیب الهی

طیب الهی در این داستان دارای ویژگی‌های برجسته عرفانی است و از نظر روانشناختی نیز نماینده شخصی است که بالغ درونش بر دیگر جنبه‌های درونی اش غلبه دارد. البته در طبیب دو جنبه والد حمایتگر و والد انتقادگر نیز دیده می‌شود. آنچه مهم است در وی کودک نیست.

الف) بالغ: «بالغ فردی واقع‌گرا است که اطلاعاتی کسب می‌کند و آن اطلاعات را به جریان می‌اندازد و فکر تجزیه تحلیل و پیش‌بینی می‌کند و احتمالات را تخمین می‌زند و تصمیم‌گیری کرده و مسائل را حل می‌کند، بالغ یا روان برونی حالت من تشخیص‌دهنده یا مثلاً حالت من داده‌پرداز است بالغ درواقع توانایی فکر کردن و تعیین تکلیف بر اساس اطلاعات دریافتی است.» (هریس، ۱۳۹۵: ۲۴)

رنگ روی و نبض و قاروره بدید هم علامتش هم اسبابش شنید
گفت هر دارو که ایشان کرده‌اند آن عمارت نیست ویران کرده‌اند
دید رنج و کشف شد بروی نهفت لیک پنهان کرد و با سلطان نگفت

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۰)

دید از زاریش کو زار دل است تن خوش است و او گرفتار دل است
چون ز رنجور آن حکیم این راز یافت اصل آن درد و بلا را باز یافت

(همان: ۵۱)

طیب الهی در مرحله اول درمان بدون صحبت کردن با بیمار به سراغ کیفیت حرکات، حالات جسمی نحوه تنفس، حالت بدن، حالت چهره و نظایر آن می‌رود و به‌وسیله درون‌نگری و توجه به حالت صورت و بدن بیمار و تغییرات این دو پی به حالات درونی او می‌برد. «ملاک‌های تشخیص بیماری روانی را می‌توان در هر زمینه از رفتار غیرارادی و ارادی یا اجتماعی جستجو کرد؛ یا با درون‌نگری (باطن بینی) به آن‌ها پی برد. درمانگر در وهله اول به جنبه‌های رفتاری توجه دارد زیرا که جنبه‌های تجربی و عملی تا زمانی که بیمار آموزش کافی ندیده باشد برای او دست‌یافتنی نیست.» (برن، ۱۳۹۵: ۷۱)

نبض او بر حال خود بد بی‌گزند تا بپرسید از سمرقند چو قند

نبض جست و روی سرخ و زرد شد کز سمرقندی زرگر فرد شد

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۳)

طیب الهی در اثر تماس مستقیم با کنیزک با احساس و افکارش آشنا تر می‌شود و در ارتباط دادن افکار و رفتار او تلاش می‌کند. طیب حتی قبل از کنیزک افکار درون او را تشخیص می‌دهد. هنگام طرح سؤالات حساس از کنیزک که جواب دادن به آن‌ها از سوی او به تأمل و احساس نیاز دارد به حرکات و انقباض‌ها و تکان‌های بدنش توجه می‌کند و پی به بیماری روانی او می‌برد.

نرم نرمک گفت شهر تو کجاست که علاج اهل هر شهری جداست

دست بر نبضش نهاد و یک بیک باز می‌پرسید از جور فلک

(همان: ۵۲)

طیب الهی در ارتباطی موازی بالغ_بالغ با بیمار است، از کنیزک پرسش کرده و اطلاعاتی را می‌طلبد، این پرسش و پاسخ‌ها مکالمه و گفتگویی بر اساس واقعیت است. «وقتی از کسی پرسشی کرده و اطلاعاتی می‌خواهیم، تبادل اطلاعاتی این‌زمانی و این مکانی را انجام می‌دهیم و کلمات، لحن صدا و حالات بدنی ما به نحوی بالغانه است از این‌رو پاسخ مستقیم به یک سؤال مستقیم به‌منظور دریافت اطلاعات که هیچ ترکیبی از گفتگوی والد و کودک نبوده و خالی از کلمات بزرگ‌منشانه و احساسات است، رابطه متقابل بالغ_بالغ نام دارد که همیشه به واقعیت‌ها می‌رسد.» (هریس، ۱۳۹۵: ۹۲)

سؤال کردن از کنیزک تدبیری روانشناسانه و یکی از اقسام نوازش است که طیب به‌وسیله آن بیمار را مورد مرحمت و مهربانی قرار می‌دهد. «یکی از اشکال نوازش سؤال کردن است. آنچه را از دیگران می‌پرسیم، و چگونگی پرسش ما باید زمینه‌ای آگاهانه داشته باشد.» (هریس، ۱۳۹۵: ۱۹۴)

آن حکیم خارچین استاد بود دست می‌زد جابجا می‌آزمود
زان کنیزک بر طریق داستان باز می‌پرسید حال دوستان
با حکیم او قصه‌ها می‌گفت فاش از مقام و خواجهگان و شهر و باش
سوی قصه گفتنش می‌داشت گوش سوی نبض و جستش می‌داشت هوش
دوستان و شهر او را برشمرد بعد از آن شهری دگر را نام برد
گفت چون بیرون شدی از شهر خویش در کدامین شهر می‌بودی تو بیش
گفت کوی او کدام است درگذر او سر پل گفت و کوی غاتفر

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۳)

«یکی از راه‌هایی که برای آزاد کردن پروفوسور یا بالغ درون کودک درمانگر مفید است تا وظیفه خود را به کار آبی تمام انجام دهد و با درک شهودی باطن بیمار را ببیند این است که بالغ درمانگر به محتوای سخن بیمار گوش دهد درحالی‌که (کودک - پروفوسور) به طرز گفتار او توجه دارد. بالغ درمانگر به اطلاعات گوش می‌دهد و کودک او متوجه صداست. به زبان رادیویی بالغ درمانگر به برنامه گوش می‌دهد و کودک او به طرز کار رادیو توجه دارد. با این حساب درمانگر هم‌زمان هم شنونده است و هم تعبیرکننده است.» (برن، ۱۳۹۵: ۳۸۷) طیب با پروفوسور یا به عبارتی بالغ، درون کودک و با درک شهودی به حرکات بدن، صورت و نحوه گفتار او گوش فراداده و عاقبت کشف می‌کند که امیالش از کجا می‌آیند و همچنین از راه شهودی و آگاهانه می‌تواند علائم عشق را در وجود کنیزک درک کند.

ب) والد حمایتگر: والد حمایتگر طیب روحانی نسبت به کودک درون کنیزک مهربان است با آن کودک حرف می‌زند آن کودک را نوازش، حمایت و تحسین می‌کند. «خصوصیات والد حمایتگر مثبت شامل دستورها و پیام‌هایی هستند که برای کمک و ارتقا رشد جسمی - روانی فرد ارسال می‌شود. حالت‌های شخصیتی والد حمایتگر حاکی از توجه خالصانه با آهنگ صدایی شیرین و آرام‌بخش، بازوان گشوده پذیرا و حمایت‌کننده.» (بهرامی، ۱۳۹۵: ۳۴)

گفت دانستم که رنجت چیست زود در خلاصت سحرها خواهم نمود
شادباش و فارغ و ایمن که من آن کنم با تو که باران با چمن
من غم تو می‌خورم تو غم مخور بر تو من مشفق ترم از صد پدر

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۳)

طیب الهی در حالت نفسانی والد حمایتگر کنیزک را از کارهایی بر حذر می‌دارد، توصیه‌ها، راهنمایی‌ها و پندهایی به کنیزک می‌دهد آیین زندگی و حیات را به او می‌آموزد. این اندرزها برای کودک کنیزک بسیار سودمند است و ترس و غم را از او منفصل می‌کند.

هان و هان این راز را باکس مگو گرچه از تو شه کند بس جست‌وجو
خانه اسرار تو چون دل شود آن مرادت زودتر حاصل شود
گفت پیغامبر که هر که سر نهفت زود گردد با مراد خویش جفت
دانه چون اندر زمین پنهان شود سر او سرسبزی بستان شود

زر و نقره گر نبودندی نهران پرورش کی یافتندی زیرکان

(همان، ۵۳)

«والد مراقبت‌کننده (حمایتگر)، راه‌های عملی کنار آمدن با مشکلات و راه خردمندی و حرکت در مسیر ارزش‌ها را به ما نشان می‌دهد و جملات حکیمانه و توصیه‌های خوبی می‌کند. این قسمت شخصیت درواقع به ما می‌گوید: (نباید کاری که به تو صدمه می‌زند را انجام دهی.)» (فیروز بخت، ۱۳۸۴: ۷۳)

کس ندارد گوش در دهلیزها تا بپرسم زین کنیزک چیزها

(مولوی، ۱۳۹۱، ۵۳)

بعدازآن برخاست و عزم شاه کرد شاه را زان شمه‌ای آگاه کرد

(همان: ۵۴)

گفت تدبیر آن بود جان مرد را حاضر آریم از پی این درد را
مرد زرگر را بخوان زان شهر دور با زر و خلعت بده او را غرور
پس حکیمش گفت که‌ای سلطان مه آن کنیزک را بدین خواجه بده

(همان: ۵۵)

والد حمایتگر طبیب از روی مصلحت‌اندیشی به پادشاه توصیه می‌کند که راه چاره درمان کنیزک زرگر است و برای درمان روحی کنیزک و پرورش روحی او از روی خیرخواهی به پادشاه مجوز و دستور آوردن زرگر را می‌دهد. پیام‌های والد حمایتگر مثبت دستوراتی در خصوص پرورش جسمانی و روانی کودک است. این بخش از روان در جهت رشد و پرورش دیگران اقدام می‌کند، اما این رشد و پرورش را با حمایت و محبت نشان می‌دهد. (رحمانی، ۱۳۸۷: ۳۲).

«مجوز قسمت، بسیار مهم تحلیل رفتار متقابل است. مجوز، وضعیتی است که در آن مربی یا درمانگر می‌گوید: (تو می‌توانی کاری را که والدت منع کرده و یا دیگران گفته‌اند غلط است، انجام بدهی.) یا (نباید کاری را که در کودکی تصمیم گرفته‌ای بکنی) برای مثال اگر به آدمی گفته باشند (ناراحت و بیمار باش) درمانگر به او مجوز می‌دهد که شاد و سالم باشد. درمانگر ترجیحاً در قالب حمایت، از کسی که آماده تعویض نمایشنامه زندگی‌اش است محافظت می‌کند. آن‌ها محافظت خود را با این جمله نشان می‌دهند که: (نگران نباش. همه چیز درست می‌شود. من پشت سر تو هستم و از تو مراقبت خواهم کرد.) مجوز و محافظت توان درمان‌بخشی درمانگر را با واردکردن عاملی به نام مراقبت‌کننده، می‌افزاید. درمانگر با استفاده از والد و کودکش، تأثیرگذاری خود را نسبت به درمانگری که فقط از بالغ خود استفاده می‌کند، چند برابر می‌نماید.» (فیروز بخت، ۱۳۸۴: ۵۳). در همین راستا است که طبیب کنیزک را در اختیار زرگر و عشق او می‌گذارد. (ج) والد انتقادگر: «والد سرزنشگر مثبت در جهت رشد افراد عمل می‌کند، اما به‌گونه‌ای تحکم‌گونه و صریح ایراد موجود را ذکر کرده و قصد او اصلاح است.» (سلیمی، ۱۳۹۲: ۵۸)

بی‌خبر بودند از حال درون استعیذ الله مما یفترون
گفت هر دارو که ایشان کرده‌اند آن عمارت نیست ویران کرده‌اند

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۰)

این بیت، حکیم در نقش والد انتقادگر از اشتباه طبیبان دروغین خرده گرفته و مقصود او از این کار هوشیار و بیدار کردن مدعیان دروغین و پوچ‌گویان بی‌تأمل است که سخنان کذب و بیهوده را به هم می‌بافند و دیگران را فریب می‌دهند.

۶.۴. طبیبان دروغی

آنچه در طبیبان دروغین دیده می‌شود غرور و خودبزرگ بینی است که از ویژگی‌های کودک خودخواه است. کودک خودخواه، دایره دیدش ضعیف و تجربه‌اش محدود است، درکی عمیق از جهان و هستی انسان‌ها ندارد و درگیر مشکل خودشیفتگی است. اگر کودک خودخواه در فرد وسعت یابد، فرد دعوی باطل می‌کند و در نتیجه دیگران او را طرد می‌کنند. (شمیسا، ۱۳۹۴: ۴۸)

جمله گفتندش که جانبازی کنیم فهم گرد آریم و انبازی کنیم

هریکی از ما مسیح عالمی است هر الم را در کف ما مرهمی است (مولوی، ۱۳۹۱: ۴۸)

کودک خودخواه، مالک الرقاب زندگی طبیعیان دروغین است، عجولانه و بدون استدلال منطقی بالغ شتاب می‌ورزند تا امور را به دلخواه خودشان نه سنجیده و معقول پیش ببرند و تحت هیچ شرایطی حاضر نبودند اعتراف کنند که در اعماق وجودشان موجودی خودخواه کمین کرده که نمی‌تواند اشتباه خود را قبول کند.

طبیعیان مغرور در نقش نجات‌دهنده و از سطح بالاتری به پادشاه کمک ارائه می‌دهند و به خاطر ایفای این نقش به خود افتخار می‌کنند تا از این طریق نقاط ضعف خود را پوشش داده و احساس رضایت خاطر فراوانی را به دست آورند.

«نجات‌دهنده‌ها معمولاً کسانی هستند که همواره دوست دارند با توانایی‌هایی که دارند مشکلات دیگران را حل کنند. کسانی که این نقش را بازی می‌کنند حتماً از توانایی احساسی، معنوی و یا کاری بالایی برخوردار نیستند. بلکه در بسیاری از موارد (و شاید بشود گفت همه موارد) از ضعف شخصیتی شدیدی هم رنج می‌برند. در حقیقت ناجی به دنبال پوشش دادن بر حس ضعف خودش است.» (جونز، ۱۳۹۵: ۱۲۳)

طبیعیان دروغین، بازی روانی «من فقط دارم کمک می‌کنم» را اعمال می‌کنند. هنگامی که پادشاه آن‌ها را به کمک می‌طلبد، می‌پذیرند، ولی غرض آن‌ها از ارائه کمک، سعی بسیار، تکرار خطا، پذیرفته نشدن و طرد شدن است.

بازیگر بازی «من فقط دارم کمک می‌کنم» یک مددکار، یا درمانگر، یا مسئول هر حرفه است که به بیمار یا درماننده پیشنهادی ارائه می‌دهد. درمان و کمک او به نتیجه نمی‌رسد و بارها سعی می‌کند اما طبق روال عادی اشتباه خود را تکرار می‌کند و تغییری در روش خود ایجاد نمی‌کند. بازیگر من فقط دارم کمک می‌کنم نیاز به این ضمانت دارد که کمک او، صرف‌نظر از اینکه با چه درجه از جدیت ارائه شود، پذیرفته نخواهد شد. (برن، ۱۳۹۴: ۵-۳۹۴)

۵.۶. زرگر

زرگر نیز دارای وجه کودک است اما کودکی منفی. کودکی که به جای شوق و اشتیاق صفات کودکی منفی چون حرص و زیاده خواهی و مظلوم نمایی را نمایندگی می‌کند.

مرد مال و خلعت بسیار دید	غره شد از شهر و فرزندان برید
اندر آمد شادمان درراه مرد	بی‌خبر کان شاه قصد جاننش کرد
اسپ تازی برنشست و شاد تاخت	خون‌به‌های خویش را خلعت شناخت
ای شده اندر سفر با صد رضا	خود به پای خویش تا سوء القضا

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۴)

زرگر تحت تأثیر کودک زیاده خواهش، گرفتار افزون خواهی می‌شود؛ چون «کودک طبیعی منفی ممکن است، کورکورانه و بدون در نظر گرفتن سلامت و ایمنی خود یا دیگران برای ارضاء امیال خویش دست‌به‌کاری بزند که ابلهانه و حریصانه بوده و جاننش را به خطر بیندازد. (جیمز، ۱۳۸۴: ۲۰۵)

در خیالش ملک و عز و مهتری گفت عزرائیل رو آری بری

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۴)

کودک زرگر با شوخی و سبک‌سری، خواستار تازگی و رسیدن به مقام و موقعیتی عالی است از این رو بدون در نظر گرفتن ایمنی به عواقب تصمیمش نمی‌اندیشد و عنان را به دست باد داده و به دنبال هوس‌های کودک درونش می‌رود.

«ترکیب ایمنی و تازگی که از خواسته‌های کودک درون است، بسیار مشکل است. بعضی بدون توجه به عواقب دم را غنیمت می‌دانند و مدام در جستجوی تجربیات تازه و هوس‌ها و وسوسه‌های تازه‌تر هستند. مشکل آن‌ها این است: چون اطلاعات کافی و آینده‌نگری ندارند، استقلال کاذب و احساس شده آنان زیاد طول نمی‌کشد و شکست می‌خورند.» (هریس، ۱۳۹۵: ۲۲۱)

گفت من آن آهوم کز ناف من	ریخت این صیاد خون صاف من
ای من آن روباه صحرا کز کمین	سر بردندم برای پوستین
ای من آن پیلی که زخم پیلبان	ریخت خونم از برای استخوان
آن که کشتستم پی مادون من	می‌نداند که نخسبد خون من

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۵)

بر من است امروز و فردا بر وی استخون خون من کس، چنین ضایع کی است؟

(مولوی، ۱۳۹۱: ۵۵)

زرگر از ناحیه کودک تضرع و زاری سر داده و خود را قربانی معصوم بی‌عدالتی فرض می‌کند و برای گرفتن حق خود تظاهر به آه و ناله مظلوم‌نمایی می‌کند. «ممکن است احساس کنیم که قربانی بی‌گناه بی‌عدالتی هستیم، و گناه را متوجه مردمی کنیم که نامنصفانه باعث ناراحتی ما می‌شوند و به‌صورت کودک نالان ظاهر شویم. اما این موارد اغلب پر ابهام است، حتی اگر ما از آن آگاه نباشیم. در این مواقع باید ببینیم خودمان چه نقشی در تلخ شدن این تبادل رفتار داشتیم. گاهی بالغ طرف مقابل فرد را تحریک کرده او از حقیقت ناراحت می‌شود.» (امی-هریس، ۱۳۹۵: ۱۱۱)

زرگر بازنده است چون «برعکس یک فرد برنده، بازنده کسی است که به اهداف موردنظر خود نمی‌رسد یا اگر برسد با کسالت روبرو می‌شود و در آن وضعیت آرامش و رضایت ندارد. بعضی از افراد ممکن است از دوران کودکی تصمیم بگیرند هدف‌هایی را دنبال کنند که بدون درد و رنج، محدودیت‌ها و حتی صدمات قابل‌دسترسی نیستند. پیش‌نویس بازنده همانند نمایشنامه‌های تراژدی یونان قدیم به‌طور بی‌رحمانه‌ای از تصمیمات اولیه منفی به صحنه نهایی تراژدی منتهی می‌شود.» (جونز، ۱۳۹۵: ۲۲۱)

۷. نتیجه‌گیری

بیشترین توصیفات این داستان درباره شخص پادشاه است؛ شخصیتی که هم ملک دنیا دارد و هم ملک دین و در ظاهر انسانی کامل است که بدین دو جایگاه دست یافته است. در تحلیل شخصیت داستان بر اساس دیدگاه برن نیز ادعای کامل بودن وی به نوعی تأیید می‌شود؛ زیرا در وجود وی هر سه بخش کودک و والد و بالغ قابل مشاهده است؛ دو نوع کودک طبیعی و انطباق یافته، والد حمایتگر و بالغ. بیشتر بخش‌های آغازین داستان نشان دهنده کودک است و در بخش‌های میانی شاهد بروز والد حمایتگر هستیم که به دلیل موقعیت اجتماعی وی قابل رویت است و نهایت بعد از دیدار با طبیب روحانی به بالغ دست می‌یابد و به زبان عرفان به کمال می‌رسد.

طبیب الهی ابتدا با ارتباط متقابل «بالغ-بالغ» با کنیزک سخن می‌گوید، سپس در روند درمان این رابطه را به ارتباط متقابل «والد-کودک» تغییر می‌دهد و مانند والدی حمایتگر مثبت به حمایت و تحسین او پرداخته یا از کارهایی بر حذر داشته و توصیه‌هایی را به او می‌کند و اجازه می‌دهد تا بتواند، نیازهای جسمی و گرایش‌های مادی کودک درون را تجربه کند و به حفظ تعادل تن و روان برسد چراکه بهره‌مندی از طبیعت و مادیات تا آن حد که جای هدف اصلی را نگیرد امری ناگزیر برای سلامتی کودک درون است. طبیب الهی کنیزک را همان اندازه در اختیار معشوق قرار می‌دهد که در وصال او صحت یابد و کودک طبیعی درونش از آن بهره‌مند گردد، زیرا معشوق او مادی است و ارزشی ندارد.

طبیبان مغرور شخصیت‌هایی ناقص و تحت تسلط کودک درون هستند، کودک خودخواه درون دایره دیدشان را ضعیف کرده و به جهت خودشیفتگی و دعوی باطل کودک، مورد طرد قرار می‌گیرند.

زرگر سمرقندی تحت نفوذ کودک طبیعی منفی یکسره به دنبال کامیابی و ارضا شدن بوده و فریب زیاده‌خواهی‌های کودک را می‌خورد در نتیجه دچار سقوط می‌شود.

شخصیت طبیب الهی، ویژگی‌های بالغانه‌ای دارد؛ دارای علاقه و تعهدی نسبت به دیگران که از خصائص والد-حمایتگر و مهربان مثبت، زیرکی برای حل مسائل که از خصایص یک فرد بالغ. هسته‌ای از اعتماد نسبت به خود در دیگران برقرار کرده؛ مانند اعتماد کنیزک و پادشاه به طبیب الهی که داری اخلاقیات عاقلانه و منطقی چون حفاظت از زندگی بشر و پرورش کمال و رشد آن‌ها است. همچنین پیشبرد استعدادهای انسانی را بدون صدمه به آن‌ها تأمین می‌کنند. طبیب الهی که بدون صدمه به کنیزک او را درمان کرد. دیدگاه وی در مورد دیگران بر اساس والد نیست که «تو خوبی اگر» بلکه بر این اساس بالغ است که: «تو خوبی» بدون قید و شرط و بر مبنای پذیرش بدون قید و شرط انسان‌ها بنا شده است.

گوش دادن به نیازها و خواسته‌های دیگران با احساس همدردی و درک آن‌ها از نظر برن یکی از نوازش‌های هدف‌دار مثبت است. طبیب فردی با ویژگی‌های جذاب و دوست‌داشتنی است که برای ایجاد احساس خوب در دیگران آن‌ها را نوازش می‌کند و مانند روانشناسی کارآزموده و واقع‌گرا از طریق حالت نفسانی بالغ با دقت نظر است و بدون عاقبت‌اندیشی و برآورد احتمالات کاری انجام نداده و سخنی بر زبان نمی‌راند. با کودک درون دیگران حرف می‌زند آن کودک را نوازش، حمایت و تحسین می‌کند و به احساسات او توجه دارد. به دلیل اینکه یکی از خواسته‌ها و آرزوهای کودک درون ایمنی و اشتیاق به داشتن امنیت است به کودک درون دیگران اطمینان می‌دهند تا احساس امنیت را در آن‌ها تقویت کنند. در مواردی که دیگران مجوز می‌دهد. به اعتقاد برن مجوز درواقع جواز و اجازه کاری خاص به فردی است که در وضعیتی و مشکلی روحی و روانی گرفتار شده است. به‌عنوان مثال طبیب الهی به کنیزک مجوز شادی و سلامتی و ناراحت و بیمار نبودن داد.

وی در حالت نفسانی والد حمایتگر طرف مقابل را از کارهایی بر حذر می‌دارد، توصیه‌ها، راهنمایی‌ها و پندهایی به او داده و آیین زندگی و حیات را به او می‌آموزد.

در داستان شخصیت‌هایی هستند که در درون آن‌ها آلودگی یک‌طرفه و دوطرفه مشاهده می‌شود به این معنی که والد آن شخصیت بالغ را نادیده گرفته و به قسمتی از بالغ متجاوز شده یا کودک هم به همین شکل. در داستان پادشاه و کنیزک شخصیت کنیزک، زرگر و خود پادشاه هر سه آلودگی کودک دارند که پادشاه و کنیزک به کمک طبیب آسمانی از آلودگی کودک آزاد و به خود پیروی می‌رسند. در این داستان مثنوی، دو نوع والد حمایتگر و انتقادگر در تقسیم‌بندی والد، دو نوع کودک انطباق یافته و طبیعی و همین‌طور حالت نفسانی بالغ وجود دارد.

۸. منابع

۱. آموزگار، شهلا (۱۳۸۶) «فرافکنی در داستان شیر و نخجیران مثنوی مولوی»؛ مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، شماره ۱۸ و ۱۹.
۲. برن، اریک. (۱۳۹۴). بعد از سلام چه می‌گویید. مهدی قراچه داغی. تهران: پیکان.
۳. برن، اریک. (۱۳۹۵). تحلیل رفتار متقابل. اسماعیل فصیح. تهران: نو.
۴. بهرامی، منصور. (۱۳۹۴). مفاهیم تحلیل رفتار متقابل. تهران: نواندیش.
۵. جیمز، موریل. لوییس، ساوری. (۱۳۸۴). خویشتن جدید. تهران: دایره.
۶. جونز، ون، استوارت، یان. (۱۳۹۵). تحلیل رفتار متقابل. بهمن دادگستر. تهران: دایره.
۷. حجاجی، عزیز و زری فام، حسین. (۱۳۹۴). «نقد روانشناسی داستان موسی و شبان مثنوی از دیدگاه نظریه اریک برن»؛ پژوهشنامه نقد ادبی، شماره ۲۱.
۸. رحمانی، مهدی. (۱۳۸۷). روانشناسی. تهران: نسل نواندیش.
۹. رحیمی، یدالله. (۱۳۸۶). «فرافکنی در مثنوی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان.
۱۰. رضی، احمد و حاجتی، سمیه. (۱۳۹۱). «تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها در داستان شیر و گاو از کلیله و دمنه»؛ پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱.
۱۱. سلیمی، افسانه. (۱۳۹۲). تحلیل رفتار متقابل. تهران: کبوتر.
۱۲. سیاسی، علی اکبر. (۱۳۷۴). نظریه‌های شخصیت. تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. شمیسا، علی. (۱۳۹۴). فوت و فن‌های نوازش. تهران: نواندیش.
۱۴. فیروز بخت، مهرداد. (۱۳۹۴). اریک برن بنیان‌گذار تحلیل رفتار متقابل. ع.ح. سازمند. تهران: دانژه.
۱۵. کاپاچونیه، لوسیا. (۱۳۸۶). شفای کودک درون. تهران: پیکان.
۱۶. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد. (۱۳۹۱). مثنوی معنوی. تصحیح رینولد نیکلسون. تهران: پیام دوستی.
۱۷. هریس، تامس. (۱۳۹۵). وضعیت آخر. اسماعیل فصیح. تهران: توس.
۱۸. هریس، امی ب. هریس، تامس ای. (۱۳۹۵). ماندن در وضعیت آخر. اسماعیل فصیح. تهران: نو.
۱۹. یحیی‌آبادی، هوشنگ. (۱۳۸۹). تو خوب هستی. اصفهان: نقش‌نگین.

Abstract

The Psychological analysis of the characters in the masnavi story “the king and the maid” , according to Eric Bern theory

The analysis of mutual behavior is a theory for recognizing the behavior, perception (feeling), and mentality of individuals in the context of characters relations, in which an image of human psychological structure is presented. The pattern of three sensual modes, such as “parent”, Adult”, and “child” has been used to analyze human behavior. Masnavi of Molana Mohammad Balkhi, contains the history of human groups with different beliefs and behaviors, in which psychological characteristics have been reflected. This study aims to investigate the behavior of each characters in the story ‘the king and the maid’ and analyze them based on Eric Brown theory to achieve psychological features of each characters. The results of studying the components of mutual behavior analysis in the above-mentioned story represents that the relation between characters includes three sensual modes and the king is the most reasonable and sound character in this story.

Keywords: Masnavi, the king and the maid, mutual behavior analysis , Eric Bern